

# بررسی تجربی الگوهای مشروعیت سیاسی در بین طبقه متوسط شهری ایران

ابراهیم حاجیانی\*

سلیمان پاک‌سرت\*\*

## چکیده

یکی از ویژگی‌های مهم جامعه در حال تغییر ایران، تفسیرها و برداشت‌های مبهم درباره اولویت مسائل و الگوهای جاری و مطلوب است، به گونه‌ای که در خصوص اکثر مسائل مهم اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مانند الگوی مطلوب توسعه، مفهوم هویت، جایگاه عدالت اجتماعی، حدود آزادی و... این اغتشاش مفهومی به صورت جدی به چشم می‌خورد. از جمله این ابهامات در خصوص موضوع مهم مشروعیت سیاسی است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی درباره مسئله الگوی مشروعیت سیاسی مجادلات بسیاری شده هم از نظر عرضه و هم از نظر تعریف و بیان ماهیت قدرت سیاسی در نظام جمهوری اسلامی و نیز بنا به دلایل ساختاری و تحولات اجتماعی و فرهنگی در معرض چالش‌های فراوان قرار گرفته است. به نظر می‌رسد این چالش‌ها بر سر انتخاب و باز تعریف الگوهای جاری و مطلوب مشروعیت سیاسی در ایران شکل یافته باشد. اغلب این منازعات در سطح نظری باقی مانده و کمتر به الگوهای رایج مشروعیت سیاسی در ایران پرداخته شده است. در حالی که الگوهای مشروعیت بنابر ویژگی‌های ذاتی خود بایستی در تصورات و ذهنیات شهروندان از حکومت مطلوب و شایسته دنبال شود؛ زیرا بنا بر تعریف، مشروعیت، پذیرش درونی یک یا چند الگوی خاص از حکومت مطلوب است. این مقاله که حاصل یک مطالعه تجربی است به بررسی جامعه‌شناختی الگوهای مشروعیت سیاسی در طبقه متوسط شهری ایران می‌پردازد و در پی عرضه و مشخص نمودن الگوهای برجسته و مهم مطرح نظر شهروندان ایرانی - با تأکید بر لایه‌های مهم طبقه متوسط شهری - است.

**واژگان کلیدی:** مشروعیت، مشروعیت سیاسی، طبقه متوسط شهری، الگوی الهی مردمی، الگوهای سنتی مشروعیت، الگوهای قانونی مشروعیت.

\* عضو هیأت علمی دانشگاه

\*\* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

**مقدمه**

اکثر صاحب‌نظران و نظریه‌پردازان به ابعاد جامعه‌شناختی و عینی مسئله مشروعیت کمتر توجه کرده‌اند و انبوه مباحث در سطح فلسفه سیاست، مباحث کلامی و فقهی متوقف شده‌اند. بنابراین، در این مقاله موضوع مشروعیت با توجه به وضع ذهنی، ایستارها<sup>۱</sup> و برداشت‌های گروه‌های گوناگون و مهم در درون جامعه ایران بررسی می‌شود. بر این اساس سؤال اصلی در اینجا آن است که مردم (در اینجا لایه‌های مختلف طبقه متوسط شهری) چه نوع (یا چه انواعی) از مشروعیت را برای حکومت و به دست گرفتن و اعمال قدرت سیاسی قائل هستند و به طور مشخص در اوضاع کنونی ایران منابع و الگوهای مشروعیت بخش به نظام سیاسی چه می‌تواند باشند؟ مردم چه نوع از حکومت را می‌پسندند و شایسته می‌دانند؟ به عبارتی از لحاظ جامعه‌شناختی چه ملاک‌ها و معیارهایی متضمن ایجاد شایستگی و صلاحیت برای شکل‌گیری حکومت، استقرار و بقاء آن می‌تواند باشد. به طور روشن‌تر الگوها و گفتمان‌های غالب و رایج فرهنگ سیاسی ایرانیان در زمینه مشروعیت سیاسی کدام‌اند؟ از زوایه دیگر هدف این بررسی تشخیص دیدگاه‌های شهروندان در خصوص مبنا و ویژگی‌های مهم در شکل‌گیری و بقاء حکومت در ایران است. ناگفته پیداست که یکی از مهم‌ترین راه‌های درک این مهم انجام مطالعه پیمایشی<sup>۲</sup> و مراجعه به باورها و نگرش‌های شهروندان است. در حقیقت این بررسی یکی از گام‌های اولیه و روشمند برای بررسی مسئله مشروعیت سیاسی از نگاه شهروندان است.

**مفهوم شناسی****۱- تعریف مشروعیت**

واژه مشروعیت<sup>۳</sup> از ریشه لاتین به معنی قانون گرفته شده و با کلمات<sup>۴</sup> «قانون گذار» و قانون‌گذاری<sup>۵</sup> هم‌ریشه است. البته مشروعیت دامنه وسیع‌تری از قانون دارد، زیرا امر مشروع باید منطبق با نظر مردم، عدالت و انصاف باشد و سنت‌ها و ارزش‌های فرهنگی حاکم بر جامعه را در خود جای دهد. بدین ترتیب مشروعیت یک رژیم سیاسی ناشی از هویت، ارزش‌های فرهنگی و هنجاری و نیز قانون آن جامعه است. لذا در هر جامعه شیوه سنجش مشروعیت سیاسی با جامعه دیگر متفاوت است. از این دیدگاه تنوع مشروعیت متناسب با فرهنگ حاکم بر هر جامعه طبقه‌بندی می‌شود.

ماتیه دوگان (۱۳۷۴) اعتقاد دارد که مشروعیت باور بدین امر است که اقتدار حاکم بر هر کشور محقق است فرمان صادر کند و شهروندان موظف‌اند به آن گردن نهند. این تعریف متأثر از نظریه مشروعیت

1- Attitude

2- Survey

3- Legitimacy

4- Legislator

5- Legislation

ماکس وبر است که بر مفاهیم کلیدی چون موظف کردن، حق دادن و وظیفه استوار است. وبر معتقد بود که قدرت وقتی مشروع است که مردم به مشروع بودن آن باور داشته باشند. چنانچه مردم باور داشته باشند که نهادهای جامعه مفروض، مناسب و از نظر اخلاقی موجه است، آن گاه می توان نتیجه گرفت که نهادهای یاد شده مشروع هستند. اتکاء بر نظر شهروندان در باب مشروعیت در تعریف مشهور اس. ام لیپست نیز به وضوح مشهود است. به نظر او اقتدار مشروع اقتداری است که از جانب کسانی که تحت کاربرد آن قرار می گیرند، معتبر یا موجه تلقی شود. چنین قانونی عادلانه و بر حق شناخته می شود. در نتیجه اجبار یا اعمال زور از جانب شخص واجد اقتدار موجه به شمار می آید. مشروعیت یک نظام سیاسی به این معنی است که آن نظام مبین اراده عمومی است (موسوی، ۱۳۷۷).

مشروعیت در اینجا متضمن توانائی نظام سیاسی در ایجاد و حفظ این اعتقاد است که نهادهای سیاسی موجود مناسب ترین نهادها برای جامعه هستند. چون لینز بر آن است که مشروعیت عبارت از این باور است که صرف نظر از کمبودها و شکست ها، نهادهای سیاسی موجود بهتر از هر نهادی است که ممکن است جای آنها را بگیرد و بر این اساس چنین نظام هائی می توانند خواستار اطاعت باشند. بایندر (۱۳۷۷) معتقد است در عصر مدرن حکومتی مشروع است که مردم آن را برگزینند، امین مردم باشد، برای منافع مردم کار کند و بازتابی از خصوصیات اصلی مردم باشد و آینده مردم را منعکس گرداند. به این ترتیب مشروعیت یعنی اینکه رژیم مستقر با تصورات ارزشی شناخته شده هر عصری منطبق باشد و این امر بیرونی صرف و یک تمایل روانی به فرمانبرداری نبوده، بلکه مبتنی بر توجیه یک رژیم دولتی مشخص بر اساس ارزش های ژرف در یک دوره زمانی و در نتیجه شناخته شده از سوی مردم است. البته بدیهی است که این ارزش گذاری ها ممکن است در طول زمان دستخوش دگرگونی و تغییر شوند. ابوالحمد معتقد است که پذیرش یا فرمانبری آگاهانه و داوطلبانه مردم از نظام سیاسی و قدرت حاکم را در اصطلاح سیاسی، «مشروعیت» یا «حقانیت» یا «باحق بودن» می گویند. اصطلاح حق یا مشروع، اندیشه حق یا حقوق مبنی بر عدالت و انصاف را در ذهن مردم بر می انگیزد. بنابراین، الزاماً مشروعیت یا حقانیت با حقوق موضوعه یکی نیست و حتی می تواند با آن در تضاد باشد. وی مشروعیت را این گونه تعریف کرده است: «مشروعیت یا حقانیت یکی و یگانه بودن چگونگی به قدرت رسیدن رهبران و زمامداران جامعه با نظریه و باورهای همگان یا اکثریت جامعه در یک زمان و مکان معین است و نتیجه این باور پذیرش حق فرمان دادن برای رهبران و وظیفه فرمان بردن برای اعضا جامعه و شهروندان است» (ابوالحمد، ۱۳۷۶، ص ۸۹)

- ابرکرامبی، هیل و ترنر (۱۳۶۷) معتقدند که قضیه مدرن مشروعیت مسئله ای است که با نمایندگی و رضایت در امور سیاسی مرتبط است. رفیع پور در کتاب توسعه و تضاد در تعریف مشروعیت آورده است که مفهوم مشروعیت به معنی عام آن پیدایش و بوجود آمدن یک حکومت مبتنی بر قواعد و ضوابط حقوقی پذیرفته شده است. در اینجا این مفهوم بر پایه تصورات عمومی مردم از حق و حقوق بنا شده است، یعنی این بستگی به تصور و باور مردم دارد که آیا یک، تشکیلات و دولت مشروع هستند یا خیر؟ «بنابراین، هسته اصلی تعیین کننده مشروعیت آن است که یک نظام حاکم از سوی مردم پذیرفته و مثبت ارزیابی شود و موجه و قانونی تلقی شود (رفیع پور، ۱۳۷۶: ۵-۲۱۴).

بنام نیز بر آن است که هر کجا قدرت مطابق قواعد توجیه‌پذیر و با شواهدی از رضایت، کسب و اعمال شود، ما آن را قدرت قانونی یا مشروع می‌نامیم. بنام بر آن است که حقوق‌دانان از موضع قانون اساسی، فلاسفه سیاسی و اخلاقی از موضع اصول هنجاری و عقلی و دانشمندان اجتماعی از موضع تاریخی زمینه‌ها و چارچوب‌های اجتماعی به موضوع مشروعیت توجه کرده‌اند. وی در جمع‌بندی خود بر آن است که مفهوم مشروعیت چند سطحی است و قدرت را می‌توان تا آن اندازه مشروع خواند که:

۱. با قواعد مستقر سازگار و منطبق باشد.
۲. این قواعد را بتوان از طریق ارجاع به باورهای مشترک فرا دست و فرو دست توجیه کرد.
۳. شواهد و مدارکی دال بر رضایت تابعان قدرت از رابطه قدرت وجود داشته باشد. (بشیریه، ۱۳۷۶: ۱۱۴).

## ۲- مشروعیت و مفاهیم مرتبط

ارتباط اقتدار با مشروعیت در نزد فلاسفه سیاسی بزرگی مانند توماس هابز و جان لاک مطرح بوده است و چالش‌های نظری متعددی پیرامون آن طرح شده است، اما به طور خلاصه می‌توان گفت اقتدار بالفعل هنگامی وجود دارد که فرد یا گروهی از افراد اعمال قدرت بر خودشان را می‌پذیرند و از دستورها یا فرمان‌های کسانی که دارای آن قدرت هستند اطاعت می‌کنند. اقتدار مشروع یا قانونی زمانی وجود دارد که اعمال قدرت به منزله یک حق به دست کسانی که قدرت نسبت به آنها اعمال می‌گردد پذیرفته یا توجیه می‌شود. اقتدار را گاهی «قدرت مشروع»<sup>۱</sup> نیز تعریف می‌کنند (راش، ۱۳۷۷) همچنین مشروعیت با خشونت<sup>۲</sup> نیز مرتبط است. زیرا گردن نهادن شهروندان به نظام حاکم و اطاعت از آن - در صورت عدم وجود اجبار و زور فیزیکی و پذیرش درونی حاکمیت - خشونت کاهش می‌یابد. به عبارتی شدت و گستره خشونت سیاسی قویاً و به طور معکوس تحت تاثیر شدت و گستره مشروعیت رژیم قرار دارد (گر، ۱۳۷۷: ۷۸) همچنین به رغم اینکه تمایز بین مشروعیت رژیم و اعتماد<sup>۳</sup> به نهادهای خاص یا مقامات در دموکراسی‌های جمع‌گرا الزامی است، اما این دو با همدیگر ارتباط وثیقی دارند (دوگان، ۱۳۷۴) اضافه بر این، مشروعیت با کارایی نیز ارتباط دارد و مارتین لیپست این تعامل را در جدول زیر نمایش داده است:

### کارایی

	+	A	B
مشروعیت	-	C	D

اگر رژیمی خود را در خانه C بیابد با درجه بالایی از کارایی، درجه پایینی از مشروعیت دارد. یک بحران کارایی، رژیم مورد نظر را از خانه C به خانه D حرکت خواهد داد که در آن موقع رژیم ساقط می‌شود. همچنین اگر نظامی از حالت A باشد دارای مشروعیت و کارایی است و اگر از A به B برود

1- Legitimate power

2- Violence

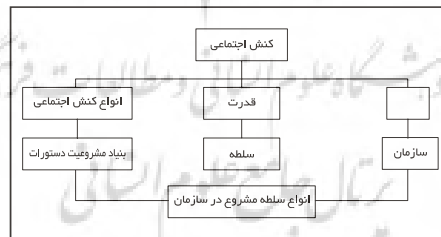
3- Trust

نشان‌دهنده از دست رفتن کارائی ولی حفظ مشروعیت است. پس زمانی که بحران بر طرف شده باشد بر جای اصلی خویش یعنی خانه A بر می‌گردد (راش، ۱۳۷۷، ۵: ۱۴۰).

### مروری بر نظریه‌های مشروعیت

نیکولاماکیاول بر «ضرورت متقاعد کردن ماهرانه مردم» به دست حاکمیت تأکید دارد، زیرا در این صورت مردم راحت‌تر به اطاعت و اداری می‌شوند. وی بر استفاده از ابزار تبلیغات و تحریک ماهرانه احساسات مذهبی توجه داشت (جونز، ۱۳۷۶: ۹۳) مونتسکیو نیز ضمن تفکیک سه الگوی حکومتی جمهوری، سلطنتی و استبداد بر فضیلت خاص نوع جمهوری که مبتنی بر از خود گذشتگی فرد در برابر اجتماع است توجه کرده است. وی بر آن است که در نوع جمهوری، اطاعت شهروندان ناشی از ترس نیست (مونتسکیو، ۱۳۷۰: ۵۰). توماس هابز عامل اصلی اطاعت را ترس شهروندان از حاکمیت می‌داند و به احساس تعهد به عنوان عامل اطاعت اهمیتی نمی‌دهد (جونز، ۱۳۶۳: ۱۱۱). اما جان لاک که درباره انسان تصور متفاوتی، نسبت به هابز، دارد، بر رضایت سیاسی توجه دارد (همان). روسو نیز اعتقاد داشت که زور موجب هیچ‌گونه حقی نیست و ما وظیفه داریم فقط از قدرت‌های مشروع اطاعت کنیم. وی نیز بر عنصر رضایت افراد تأکید کرده است. اما از همه اینها مهم‌تر نظریه مشروعیت سیاسی ماکس وبر است. وی با تفکیک سه الگوی ایده‌آل مشروعیت عقلانی، مبتنی بر قانون (سیادت قانونی)، مشروعیت سنتی؛ مبتنی سنت‌های مقدس (سیادت سنتی) و مشروعیت کاریزمائی، مبتنی بر قهرمانی (سیادت کاریزمائی) این بحث را به میزان بسیار زیادی توسعه و تعمیق بخشید. (وبر، ۱۳۷۴: فصل سوم) دیوید ویلر (۱۹۶۷) با توسعه و تکمیل بحث و بر معتقد است که انواع اقتدار مشروع وبر باید در ارتباط با طرح مفهومی او درک شود (مقایسه شود: نمودار شماره یک) یعنی بحث مشروعیت در ارتباط با کنش اجتماعی، انواع کنش اجتماعی و همچنین قدرت، سلطه، تجمع و سازمان بایستی مورد بحث قرار گیرد. وی بر اساس دیدگاه وبر معتقد است وبر ابتدا به چهار نوع کنش اجتماعی اشاره می‌کند و به بررسی آنها می‌پردازد. این چهار نوع کنش عبارت‌اند از:

شکل شماره ۱: ساخت نمادی طرح مفهومی وبر



**عقلانی هدفمند:** این نوع کنش شامل گرایش به مجموعه‌ای از اهداف مشخص فردی است. در این گرایش، رفتار عوامل بیرونی و افراد دیگر پیش‌بینی می‌شود، این‌گونه پیش‌بینی‌ها به مثابه «شرایط» و «وسایل» کسب توفیق‌آمیز اهداف عقلانی مشخص هستند.

**عقلانی ارزشی:** این گرایش شامل باور آگاهانه به ارزش یک رفتار اخلاقی، زیبایی شناختی، مذهبی و غیر است که فارغ از هر گونه چشم‌اندازی برای توفیق بیرونی است و فقط برای خودش وجود دارد.

**عاطفی:** این نوع کنش ناشی از تمایلات خاص و وضعیت احساسی شخص است.

**سنتی:** این نوع کنش حاصل گرایش به سنت است که از طریق عادات طولانی مدت ایجاد می‌شود.

ویلر معتقد است که وبر پس از عرضه انواع کنش به چهار نوع بنیاد مشروع دستورها و اوامر می‌پردازد که کاملاً با آن منطبق است، چنان‌که در جدول شماره ۱ ملاحظه می‌کنید چهار نوع بنیاد مشروع عبارت‌اند از: قانونی، عقلانی ارزشی، عاطفی، سنتی که به ترتیب با کنش عقلانی هدفمند، عقلانی ارزشی، عاطفی و سنتی مرتبط هستند. ویلر در ادامه بحث خود به این نکته می‌پردازد که وبر در ارتباط با اساس مشروعیت سلطه تنها به سه مورد اشاره نموده است و در تئوری او از ارتباط کنش عقلانی ارزشی با نوع خاصی از سلطه سخنی به میان نیامده است، ویلر برای مرتفع ساختن این نقص و پر کردن شکاف مفهومی «ایدئولوژی» را پیشنهاد می‌کند.

جدول شماره ۱. تمایز میان انواع کنش اجتماعی و مشروعیت

انواع کنش	اساس مشروعیت یک دستور	اساس مشروعیت سلطه (اقتدار)
عقلانی هدفمند	قانونی	عقلانی قانونی
عقلانی ارزشی	عقلانی ارزشی	ایدئولوژی
عاطفی	عاطفی	کاریزماتیک
سنتی	سنتی	سنتی

ماخذ Willer, 1967

به اعتقاد او «ایدئولوژی» با کنش عقلانی ارزشی منطبق است، موضوعی که وبر از آن غفلت کرده است. اقتدار ایدئولوژیک به اعتقاد به ارزش مجموعه‌ای از هنجارهای عقلانی متکی است. نوع ناب آن اطراف مسئله «اعتقاد» و نظام‌های ارزشی سازمان یافته است. اطاعت به دلیل اهداف ایدئولوژی صورت می‌پذیرد و امر شخصی نیست.

چنان‌که در بخش‌های گذشته اشاره شد، ماکس وبر چهار نوع کنش اجتماعی را متمایز می‌کند، اما تنها به سه نوع اقتدار اشاره کرده است و این امر منبع آشفتگی شده است. مارتین اسپنسر سعی کرده است این معما<sup>۵</sup> را با اشاره به اینکه وبر مقوله چهارمی یعنی اقتدار عقلانی – ارزشی<sup>۶</sup> را حذف کرده است، حل نماید.

- 1- Purposive -rational
- 2- Value – rational
- 3- Affectual
- 4- Traditional
- 5- Puzzle
- 6- value rational authority

اسپنسر معتقد است یکی از مشکلاتی که به بحث و بر درباره اقتدار مربوط می‌شود این است که او در جای دیگر از چهار نوع دستور مشروع<sup>۱</sup> سخن به میان آورده، در حالی که درباره ارتباط آن با اقتدار مشروع بحثی نکرده است. چنان که اشاره گردید و بر معتقد است دستورها<sup>۲</sup> به چهار طریق مشروعیت می‌یابند:

- ۱- از طریق سنت‌ها، اعتقاد به مشروعیت آنچه همیشه وجود داشته است.
  - ۲- از طریق گرایش‌های عاطفی و به خصوص احساسی.
  - ۳- از طریق اعتماد عقلانی به ارزش‌های مطلق.
  - ۴- از طریق قانون.
- اسپنسر معتقد است که و بر در بحث دستورها و اقتدار مشروع با جنبه‌های مختلف از یک پدیده یگانه سروکار دارد.

اسپنسر معتقد است اهمیت مشروعیت نظام هنجاری<sup>۳</sup> در این است که این نوع مشروعیت بهترین ضامن برای ثبات نظم (دستور) است. به شکل مشابهی این حقیقت کاملاً آشکار است که اقتدار مشروع<sup>۴</sup> با ثبات‌ترین شکل قدرت است.

به اعتقاد اسپنسر هر یک از چهار نوع اقتدار، نهادهای سیاسی خاصی را ایجاد می‌کند:

- ساخت تیبیک اقتدار کاریزماتیک، اتحاد<sup>۵</sup> است. رهبر و گروه پیروان بر مبنای وفاداری شخصی<sup>۶</sup> به هم پیوند می‌خورند. فراتر از تمایز رهبران و پیروان هیچ تقسیم کار سیاسی واضحی وجود ندارد.
- ساخت تیبیک اقتدار سنتی، قاعده پاتریمونیا<sup>۷</sup> است. شامل یک حاکم<sup>۸</sup> و کارمندان اداری شخصی<sup>۹</sup> شخصی<sup>۹</sup> است و فئودالیسم شامل سلسله مراتبی از لردها و رعایا<sup>۱۰</sup> که از طریق پیمان و سوگندهای<sup>۱۱</sup> شخصی وظیفه شناسی<sup>۱۲</sup> به هم پیوند می‌خورند.
- ساخت تیبیک اقتدار عقلانی - قانونی، بوروکراسی است.
- ساخت تیبیک اقتدار عقلانی - ارزشی، دولت مطابق با قانون اساسی<sup>۱۳</sup> است و به مشروعیت نهادهای دموکراتیک مربوط می‌شود. اسپنسر معتقد است انواع مختلفی از اقتدار در روابط خاص با انواع هنجارهای مشروع وجود دارد.

- 
- 1- Legitimate orders
  - 2- Orders
  - 3- Normative of Legitimacy
  - 4- Legitimate authority
  - 5- Band
  - 6- personal loyalty
  - 7- patrimonial rule
  - 8- ruler
  - 9- personal administrative staff
  - 10- Vassals
  - 11- oaths
  - 12- Fealty
  - 13- Constitutional government

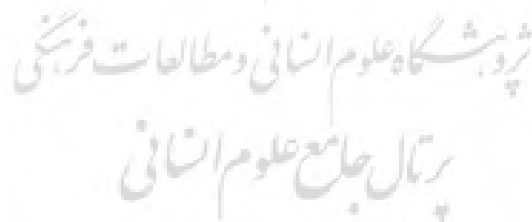
اقتدار کاریزماتیک قانون مقدس ایجاد می‌کند. هنجارهای سنتی اقتدار سنتی را تعریف می‌کنند. هنجارهای قانونی - عقلانی، اقتدار عقلانی، قانونی را مشخص می‌کنند. و اصول ارزش‌های مطلق، اقتدار عقلانی، ارزشی را تنظیم می‌کنند (مقایسه شود با جدول شماره یک). اسپنسر همچنین می‌گوید که هشت نوع اقتدار و هنجارهای مشروع می‌توانند به دو سنخ‌کنش اجتماعی و بر کاهش یابد:

- مشروعیت مبتنی بر احساس (عاطفی)

- مشروعیت مبتنی بر خود (عقلانی)

کنش عاطفی شامل یک موقعیت احساسی است و بنیاد اقتدار کاریزماتیک و سنتی را تشکیل می‌دهد، در حالی که کنش عقلانی شامل اعتقاد عقلانی به ارزش مطلق اصول<sup>۱</sup> است و بنیاد اقتدار عقلانی - قانونی<sup>۲</sup> قانونی<sup>۳</sup> و اقتدار عقلانی - ارزشی<sup>۴</sup> را تشکیل می‌دهد (اسکات، ۱۹۷۳).

از دیدگاه اسپنسر سلطه مشروع شامل موقعیتی است که در آن فرمانروا و فرمانبردار در یک مجموعه‌ای از اعتقادات احساسی<sup>۴</sup> یا ارزش‌ها<sup>۵</sup> که حق فرمانروا را برای صدور فرمان مشخص می‌کند، اشتراک دارند، همه کنشگران در نظام اجتماعی باید در مجموعه‌ای از ارزش‌ها اشتراک نظر داشته و سهیم باشند. در این موقعیت فرمان‌های فرمانروا به خودی خود اقتداری است و از این رو باید. نسبت به اهداف جمعی جهت‌گیری شده باشد (همان)



1- Absolute value of a principle

2- Legal rational authority

3- value – rational authority

4- emotional believes

5- values



جدول شماره ۲. انواع هنجارها و اقتدار مشروع

اقتدار	
کار بزماتیک	عقلانی - قانونی
(از کیفیات شخصی رهبر ناشی می‌شود)	(با هنجارهای قانونی - عقلانی تعریف می‌شود)
رهبران سیاسی، جنبش‌های نظامی و دینی سنتی	اقتدار در سازمان‌های بوروکراتیک
	عقلانی
(از هنجارهای سنتی ناشی می‌شود)	(از طریق اصول حاکم تعریف می‌شود)
حکومت مطلقه، خان فئودال	اقتدار سیاسی در دولت‌های مطابق قانون اساسی
هنجارهای عاطفی مشروعیت یافته	هنجارهای عقلانی - قانونی
قانون مقدس	(عقلانیت صوری)
	قوانین عادی که به دست قانونگذار عقلانی ایجاد می‌شود
هنجارهای سنتی مشروعیت یافت	هنجارهای ارزشی مطلق
رسوم	(عقلانیت بنیادی)
	قانون طبیعی، قوانینی که به موضوعات برجسته اخلاقی مربوط هستند

ماخذ: Spencer, ۱۹۷۰.

جین دیوندل (۱۹۹۵) استدلال می‌کند که نظام‌های سیاسی برای بقاء خود نیاز به حمایت مردمی<sup>۱</sup> دارند و در غیر این صورت مجبور به اتکاء به زور و اجبار<sup>۲</sup> می‌شوند (دوندل، ۱۹۹۵: ۶۷) حمایت هنگامی وجود دارد که اعضاء یک جامعه نسبت به نظام سیاسی یا دولت تمایل داشته باشند. حمایت ممکن است از فرایند جامعه‌پذیری یا فشارهای بیرونی یا از ویژگی‌های شخصیتی ناشی شده باشد. وی حمایت را به دو نوع فعال و منفعل تقسیم کرده است.

اولریش شوینر بر خلاف وبر بر آن است که مشروعیت به معنای پذیرش و قبول درعمل نیست، بلکه به معنای آن است که دولت از شناسایی پایدار و مستمر از سوی شهروندان برخوردار می‌شود. وی بر آن است که توجیه ژرف‌تر دولت از دو گرایش مشتق می‌شود:

۱. از نحوه شکل‌گیری قدرت سیاسی و شیوه به کارگیری آن.

۲. وظایفی که هر سلطه پی‌گیری می‌کند.

وی تأکید کرده است مشروعیت عبارت است از معتبر بودن ارزش‌گذاری‌های معینی که در یک دوره معین زمانی مؤثر هستند (پهلوان، ۱۳۷۴). کریک مدیسون<sup>۳</sup> با انتقاد از سنخ‌شناسی وبر از اشکال سلطه<sup>۴</sup> هشت منبع مشروعیت را مطرح کرده است که عبارت‌اند از: سنت<sup>۵</sup>، قرارداد<sup>۶</sup>، اصول جهانی<sup>۷</sup>، تقدس<sup>۸</sup> تخصص<sup>۹</sup> تأیید عمومی<sup>۱</sup> پیوند شخصی<sup>۲</sup> و کیفیت شخصی<sup>۳</sup>. اتزیونی نیز سه نوع ضرورت ( مبتنی بر اجبار،

- 
- 1- Popular
  - 2- Coercion
  - 3- craig medison
  - 4- Domination
  - 5- Convention
  - 6- Coutract
  - 7- Universal principle
  - 8- Sacrednes
  - 9- Expertise

اجبار، دستمزد و پاداش یا وسایل هنجاری) را از همدیگر تفکیک کرده است (صبوری، ۱۳۷۴: ۴۵) جوزف شومپتر دموکراسی را حکومت مشروع می‌داند؛ زیرا در این الگو شهروندان توانائی جایگزین کردن یک حکومت با دیگری را دارند. (هلد، ۱۳۶۹: ۹۸) دیوید هلد خود نیز دلایل ذیل را برای پذیرش نهادهای سیاسی بر شمرده است:

۱. اجبار ۲. سنت ۳. بی‌تفاوتی ۴. مصلحت ۵. پذیرش ابزاری یا رضایت مشروط ۶. موافقت هنجاری ۷. موافقت هنجاری آرمانی (هلد، ۱۳۶۹: ۱۲۱) هابرماس نیز در بحث بحران مشروعیت سیاسی در نظام سرمایه‌داری آن را به عدم تحقق کار ویژه دولت در یک نظام که همانا بحران انباشت سرمایه اقتصادی است مرتبط می‌داند (بشیریه، ۱۳۷۶). ساموئل هانتینگتون نیز در کتاب‌های مختلف خود به مشکلات مشروعیت در نظام‌های اقتدارگرا پرداخته است. او میان مشروعیت رهبران سیاسی و نظام سیاسی تفاوت قائل شده است و واکنش‌های پنجگانه رهبران اقتدارگرا در مواجهه با از دست دادن مشروعیت را بررسی کرده است (هانتینگتون، ۱۳۷۳: ۹-۳۷).

در حوزه ادبیات کلامی و فقهی نیز مشروعیت سیاسی سابقه بحث طولانی مدتی را داراست و رویکردهای مهمی پیرامون آن مطرح شده است. از دیدگاه اسلامی منبع ذاتی مشروعیت حقانیت و اعتبار خداوند است که حاکمیت مطلق جهان و انسان از اوست. بنابراین، منبع ذاتی مشروعیت خداوند است (کدیور، ۱۳۷۸) که این مهم مورد توافق علماء شیعه است. اما پس از آن دو پاسخ مهم از ناحیه آنان داده شده است که یکی مشروعیت الهی بلاواسطه است و دیگری مشروعیت الهی - مردمی .

در مشروعیت الهی بلاواسطه نظریه‌های سلطنت مشروعه، ولایت انتصابی عامه فقیهان، ولایت انتصابی عامه، شورای مراجع تقلید (ولایت شورای)، ولایت انتصابی مطلقه فقیهان (نظریه امام خمینی (ره)) مطرح شده است و در الگوی مشروعیت الهی مردمی نیز دو نظریه دولت مشروطه (با اذن و نظارت فقیهان) و نظریه خلافت مردم با نظارت مرجعیت، مطرح شده است. (کدیور، ۱۳۷۸: فصل سوم)

چارچوب نظری سنجش الگوهای مشروعیت سیاسی در ایران

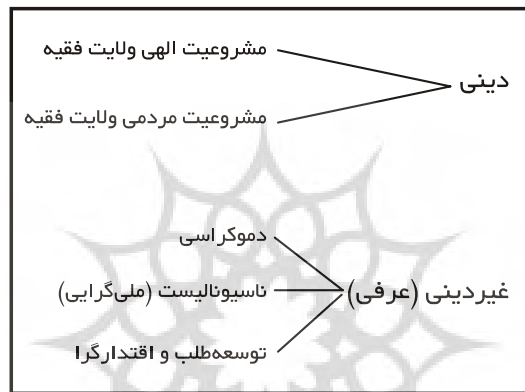
با توجه به سؤالات اصلی این مقاله که درباره الگوهای مشروعیت در میان شهروندان ایرانی بوده است و ضمن تأکید بر این پیش فرض مهم که امکان طرح و معرفی یک الگوی مسلط مشروعیت بخش امکان‌پذیر نیست، محققان پس از بررسی الگوهای نظری موجود و نیز مجموعه ادبیات جاری و مطالعات اخیر انجام گرفته در حوزه مباحث کلامی و سیاسی مشروعیت سیاسی در ایران فرهنگ سیاسی ایرانیان پنج الگوی مهم را جهت بررسی و سنجش تجربی برگزیدند:

۱. مشروعیت دینی مشتمل بر:

- 
- 1- Popular approval
  - 2- Personal ties
  - 3- Personas Quality

- ۱-۱. الگوی مشروعیت الهی حکومت اسلامی و ولایت فقیه
- ۱-۲. الگوی مشروعیت الهی - مردمی حکومت اسلامی و ولایت فقیه
۲. مشروعیت غیر دینی (عرفی یا مدنی) مشتمل بر:
  - ۲-۱. مشروعیت دموکراتیک
  - ۲-۲. مشروعیت توسعه طلب اقتدار گرا
  - ۲-۳. مشروعیت ناسیونالیسم

شکل ۱-۵ الگوهای مشروعیت سیاسی در ایران



پس از آن بر اساس مجموعه ادبیات مهم و مطرح در هر حوزه شاخص‌ها و مؤلفه‌های هر الگو مشخص شد.

## روش‌شناسی

روش این بررسی پیمایشی بوده و واحد تحلیل<sup>۱</sup> «فرد» است که در آن صفت افراد از این لحاظ که چه نوع حکومتی را مشروع و مقبول می‌دانند پرسش می‌شود. ابزار جمع‌آوری اطلاعات این بررسی، پرسشنامه است و سنجش و اندازه‌گیری<sup>۲</sup> از طریق طیف لیکرت (۵ قسمتی) و محاسبه مجموعه نمرات صورت گرفته است. همچنین برای تعیین اولویت و ترجیحات بین صفات متضاد الگوها از تکنیک برش قطبین نیز استفاده شده است. در برش قطبین گویه‌ها نه در قالب صفات بلکه در قالب جملات طراحی شده‌اند.

جامعه آماری این بررسی طبقه متوسط شهری در ایران است، زیرا موضوع مشروعیت عمدتاً درگیری ذهنی طبقه متوسط است. علاوه بر آن در ساختار نظام اجتماعی گرایش‌های طبقه متوسط قدرت، نفوذ، اعتبار، شأن و تاثیر بیشتری دارد. (بیل، ۱۳۷۴) محور طبقه متوسط را روشنفکر بودن قرارداد که به معنی خالق یا تولیدکننده فرهنگ است. ریمون آرون نیز ملاک خلاقیت را مطرح کرده است. (لهسائی‌زاده، ۱۳۷۴: ۵-۱۵۳) جیمز بیل نیز مصادیق طبقه متوسط را در کشورهای خاورمیانه اسلامی احصاء کرده بر اهمیت آنها در مسائل سیاسی این کشورها تأکید کرده است (بیل، ۱۳۷۴) به علاوه احد اشرف در رساله دکتری خود و دکتر سعید برزین در بررسی ساختار اجتماعی جامعه ایران بر اهمیت ویژگی‌ها و گرایش‌های طبقه متوسط توجه کرده‌اند. (ادیبی، ۱۳۵۴: ۱۱۲) در مجموع بنا به دلایلی همچون امکان ارتقاء، روحیه اعتراض، اهمیت شهری شدن و صنعتی شدن، تمایل زیاد به مشارکت سیاسی، نفوذ و مرجعیت این طبقه، در این پروژه گرایش‌های این طبقه بررسی شده است. در مجموع، منظور از طبقه متوسط مجموعه افرادی که حاصل تحولات اجتماعی اقتصادی صنعتی اخیر بوده و مشخصاً در استخدام دستگاه اداری دولتی با به امور فرهنگی، ادبی، علمی و تخصصی می‌پردازند، است. بر این اساس جامعه آماری شامل، اساتید دانشگاه، پزشکان، اهل قلم، مدیران، مهندسين، دبیران و دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری هستند. شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای<sup>۳</sup> بوده است. بدین ترتیب که بعد از تعیین سهم هر لایه در کل جامعه آماری و تعیین تعداد حجم نمونه کل سهم متناسب هر کدام از لایه‌ها در جامعه نمونه به دست آمد. سپس به روش‌هایی که شرط تصادفی<sup>۴</sup> را حفظ کند به افراد جامعه نمونه مراجعه و پرسشنامه‌ها تکمیل شد. سهم هر کدام از لایه‌های جامعه آماری در حجم تعیین شده برای جامعه نمونه در جدول زیر آمده است:

- 
- 1- unit of analysis
  - 2- measurement
  - 3- Stratified sampling
  - 4- Randomly

جدول شماره ۳. جامعه آماری و حجم نمونه و سهم متناسب هر کدام از لایه‌ها در جامعه نمونه

ردیف	لایه‌ها	جامعه آماری در کل کشور	درصد جامعه آماری در کل کشور	حجم جمعیت نمونه انتخاب شده در تحقیق
۱	دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری	۳۳۷۲۳	۲۶	۵۲۰
۲	اساتید دانشگاه	۱۵۷۹۸	۱۲	۲۴۰
۳	پزشکان	۱۹۳۷۰	۱۵	۳۰۰
۴	اهل قلم	۲۶۰۰	۳	۶۰
۵	مدیران	۳۴۴۶۴	۲۶	۵۲۰
۶	مهندسين	۱۳۵۶۶	۱۰	۲۰۰
۷	دیبران	۱۰۴۵۷	۷۸	۱۶۰
	جمع کل	۱۲۹۹۷۸	۱۰۰	۲۰۰۰

### روائی و اعتبار

برای سنجش روائی پرسشنامه، پرسشنامه اولیه که دارای ۱۰۷ سؤال بود در بین ۱۰۰ نفر پاسخگو آزمایش مقدماتی<sup>۱</sup> شد. همچنین پس از مرحله گردآوری اطلاعات نیز روائی گویه‌های الگوهای پنجگانه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ بررسی شد که چکیده نتایج مربوطه در ذیل آمده است. نتیجه کلی آنکه میزان روائی گویه‌ها و شاخص‌ها قابل قبول است.

جدول شماره ۴. ضرائب روائی الگوهای مشروعیت

شاخص	تعداد پاسخگویان (حجم نمونه)		تعداد گویه‌ها		ضریب آلفا برای کل طیف	
	تحقیقات اصلی	تحقیقات مقدماتی	تحقیقات اصلی	تحقیقات مقدماتی	تحقیقات اصلی	تحقیقات مقدماتی
مشروعیت دینی/ عرفی	۱۷۲۱	۱۰۰	۴	۵	٪۸۴	٪۷۱
مشروعیت الهی ولایت فقیه	۱۷۲۱	۱۰۰	۴	۳	٪۸۸	٪۷۸
مشروعیت مردمی ولایت فقیه	۱۷۲۱	۱۰۰	۳	۴	٪۷۲	٪۶۰
مشروعیت دموکراسی	۱۷۲۱	۱۰۰	۴	۴	٪۷۶	٪۷۷
مشروعیت مبتنی بر ناسیونالیسم (ملی‌گرایی)	۱۷۲۱	۱۰۰	۳	۳۴	٪۷۱	٪۷۵

### یافته‌های پژوهش

#### ۱. سنجش الگوی مشروعیت دینی / عرفی:

این الگو که با چهار گویه در قالب طیف لیکرت اندازه‌گیری شده است. در مجموع پاسخ‌ها نشان دهنده گرایش در حد متوسط به الگوی حکومت دینی است. برای روشن شدن بیشتر بحث بررسی دقیق میزان تقابل دو الگوی مشروعیت دینی و غیردینی، در وهله بعد، از تکنیک برش قطبین بهره گرفته شد. مزیت روش مذکور آن است که پاسخگویان می‌توانند همزمان ویژگی‌های دو الگو را در کنار هم مقایسه کرده و نظر واقعی خود را نسبت به آنها بیان کنند. بدون آنکه دچار جانبداری کاذب شوند.

#### ۲. مشروعیت الهی حکومت دینی

در نتایج حاصله نشان می‌دهد میزان پذیرش الگوی مشروعیت الهی حکومت دینی در نزد پاسخگویان در حد متوسط است.

#### ۳. مشروعیت مردمی حکومت دینی

نتایج به دست آمده درباره گویه‌های این الگو نشان می‌دهد میزان پذیرش الگوی مشروعیت مردمی ولایت‌فقیه در نزد پاسخگویان بیش از حد متوسط است و علاوه بر فراوانی‌ها، میانگین گویه‌ها نیز این نتیجه را تأیید می‌کنند.

#### ۴. مقایسه نظر پاسخگویان درباره الگوی مشروعیت الهی و الگوی مشروعیت مردم

این مقایسه نشان داد که میزان پذیرش الگوی اول در حد متوسط و میزان پذیرش الگوی دوم بیش از حد متوسط است. علاوه بر این از تکنیک برش قطبین نیز برای این مقایسه استفاده شد. نتیجه آنکه اکثر پاسخگویان با معیارهای مشروعیت مردمی حکومت دینی موافق هستند و آن را می‌پذیرند.

#### ۵. مشروعیت دموکراتیک

در روش طیف لیکرت و نیز برش قطبین میزان پذیرش این الگو بیش از حد متوسط است.

#### ۶. مشروعیت مبنی بر ناسیونالیسم (ملی‌گرائی)

این الگو دارای ۵ گویه بود که به دلیل پائین بودن ضرائب آلفا ۲ گویه آن از تحلیل کنار گذاشته شد. در مجموعه تمایل به این گویه‌ها در حد بینابین بوده است.

#### ۷. الگوی مشروعیت توسعه طلب اقتدارگرا

پذیرش این الگو به معنی پذیرش حکومتی قدرتمند و متمرکز با رهبران قاطع که در جهت توسعه اقتصادی (و نه سیاسی) عمل می‌کنند، است. میزان موافقت با این الگو نیز کمتر از حد متوسط است.

#### ۸. ارزیابی پاسخگویان از الگوهای پنجگانه

بر مبنای مقیاس ترتیبی در اینجا ابتدا گویه‌های مربوط به هم جمع<sup>۱</sup> شده سپس تحلیل شده‌اند. شیوه نمره‌گذاری برای گویه‌های مثبت و منفی استاندارد شد. نتایج حاصله در مقایسه دو الگوی مشروعیت دینی، نشان‌دهنده پذیرش گویه‌های مشروعیت مردمی در بین پاسخگویان است. همچنین با مقایسه سه الگوی غیردینی نیز ترتیب اولویت با الگوی دموکراتیک سپس ناسیونالیسم و نهایتاً توسعه طلب است.

#### ۹. بررسی الگوها با استفاده تکنیک تحلیل عاملی<sup>۲</sup>

مسئله اصلی در اینجا مشخص کردن یک یا چند عامل (الگو) است. علاوه بر ماتریس ضرائب همبستگی که وجود حداقل چهار عامل را تأیید می‌کند، نتیجه نهائی ماتریس عاملی چرخش داده شده نیز گویه‌هایی را در کنار هم، به عنوان یک عامل، قرار داد که محققان نام آن را «دموکراسی اسلامی» نهادند. این گویه‌ها دارای وزن‌های قابل ملاحظه ۵۴٪، ۵۷٪، ۶۱٪، ۷۶٪، ۷۳٪ و ۷۳٪ هستند و در واقع از ترکیب دو الگوی مشروعیت دینی ساخته شده‌اند. عامل دوم به عنوان «مشروعیت ناسیونال دموکرات» شناسائی شد و نهایت عامل سوم «الگوی مشروعیت توسعه طلب» نامگذاری شد. سرانجام چهار الگو یا عامل ذیل در تحلیل عامل شناسائی شد:

الگوی مشروعیت الهی حکومت دینی

الگوی مشروعیت دموکراسی اسلامی

الگوی مشروعیت ناسیونال دموکرات

الگوی مشروعیت توسعه طلب، اقتدارگرا

نکته قابل توجه اینکه الگوی مشروعیت دموکراتیک به شکل مستقل شناسائی نشد، بلکه گویه‌های آن با دو عامل مشروعیت مردمی حکومت دینی و مشروعیت مبتنی بر ناسیونالیسم ترکیب شد. این بدان معنی است که پاسخگویان قادر به تفکیک دو الگوی عرفی و دینی بوده و الگوی مشروعیت دموکراتیک اسلامی را بهترین و شایسته‌ترین نظام برای اداره سیاسی جامعه ایران تلقی می‌کنند.

#### نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف سنجش مفهوم مشروعیت سیاسی از نگاه شهروندان طراحی و تدوین شد. که با بهره از روش پیمایش سعی گردید تا به این سوال پاسخ داده شود که باورها و نگرش‌های شهروندان در این باره چیست.

یافته‌ها نشان می‌دهد که گرایش در حد متوسط به الگوی حکومت دینی است. میزان موافقت با الگوی مشروعیت توسعه طلب اقتدارگرا کمتر از حد متوسط است. این در حالی است که اکثر پاسخگویان با معیارهای مشروعیت مردمی حکومت دینی موافق هستند و آن را می‌پذیرند. یافته‌ها همچنین این نتیجه را

1- Compute

2- Factor Analysis

در برداشت که پاسخگویان قادر به تفکیک دو الگوی عرفی و دینی بوده و الگوی مشروعیت دموکراتیک اسلامی را بهترین و شایسته‌ترین نظام برای اداره سیاسی جامعه ایران تلقی می‌کنند.

براساس نتایج کلی پژوهش می‌توان نکات ذیل را مطرح نمود:

- ۱- در عرضه تحلیل‌ها و مباحث سیاسی با توجه به این نکته که الگوی متعادل از مشروعیت، مقبول‌تر و رایج‌تر است از عرضه هرگونه برداشت افراطی خودداری شود و فعالان سیاسی بایستی سعی کنند این الگو را به طور جدی توجه کنند.
- ۲- لازم است محققان و علماء و نظریه‌پردازان سیاسی - فرهنگی کشور به منظور تقریب این دو بعد، به غنا بخشیدن و تکمیل این الگو از لحاظ تئوریک و از لحاظ حقوقی تلاش کنند. به عبارتی این الگوی مشروعیت دینی دموکراتیک نیازمند به بحث و بررسی‌های هر چه بیشتر از لحاظ حقوقی و سیاسی است که این مهم تلاش بیش از پیش نظریه‌پردازان را می‌طلبد تا زوایا و ابعاد ناگفته این الگوی مشروعیت روشن شود.

## منابع

- ابراهیمی، پریچهر، (۱۳۷۵-۱۳۷۴)؛ نقش‌نوسازی در رشد طبقه متوسط جدید در ایران، پایان‌نامه دوره - دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، به راهنمایی دکتر غلامعباس توسلی.
- ابرکرامی، نیکلاس، (۱۳۷۶)؛ استغن‌هیل و برایان، اس. ترنر، (فرهنگ جامعه‌شناسی) ترجمه حسن پویان، چاپ اول، تهران: انتشارات چاپخش.
- ابوالحمد، عبدالحمید، (۱۳۷۶)؛ (مبانی سیاست) جلد اول، چاپ هفتم، تهران: انتشارات توس.
- ادیبی، حسین، (۱۳۵۸)؛ طبقه متوسط جدید در ایران، تهران، جامعه.
- ادیبی، حسین، (۱۳۵۴)؛ جامعه‌شناسی طبقات اجتماعی، تهران: دانشکده علوم اجتماعی و تعاون دانشگاه تهران.
- آرون، ریمون، (۱۳۶۴)؛ مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، چاپ اول، تهران: انتشار و آموزش انقلاب اسلامی.
- آلگار، حامد، (۱۳۶۹)؛ دین و دولت ایران، ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- انصاری، ابراهیم، (۱۳۷۴)؛ پیدایش و رشد طبقه متوسط جدید در ایران، پایان‌نامه دوره دکتری - جامعه‌شناسی، به راهنمایی دکتر غلامعباس توسلی، تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه.
- بایندر، لئونارد، (پاییز ۱۳۷۷)، «بحران‌های توسعه سیاسی» ترجمه غلامرضا خواجه‌سروی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره اول.
- بشیریه، حسین، (۱۳۷۶)؛ تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- بشیریه، حسین، (پاییز ۱۳۷۴)؛ جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: نشر نی.
- بیل، جیمز، «تحلیل طبقاتی و دیالکتیک‌های نوسازی در خاورمیانه»، ترجمه عماد افروغ، فصلنامه راهبرد، شماره ۴.



- پزشکی، محمد، «شرایط حکومت دینی به قرائت امام خمینی»، مجله علوم سیاسی، سال دوم، تابستان ۱۳۷۹، شماره پنجم.
- پهلوان، چنگیز، خرداد و تیر (۱۳۷۴)؛ «مشروعیت دولت مدرن»، کیان، شماره ۲۵، سال پنجم.
- تاملین، ملوین، (۱۳۷۳)؛ جامعه‌شناسی قشرنبدی و نابرابری‌های اجتماعی، عبدالحسین نیگ گهر، تهران
- جهان بزرگی، (۱۳۷۷)، پیشینه تاریخی ولایت فقیه، تهران: کانون اندیشه جوان.
- جونز، و. ت. (۱۳۷۶)، «خداوندان اندیشه سیاسی» ترجمه علی امین چاپ چهارم، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- چلی، مسعود، (۱۳۷۵)؛ جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- حاجیانی، ابراهیم، (۱۳۷۷)؛ نارضایتی سیاسی در طبقه متوسط شهری ایران، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه.
- حجاریان، سعید، (بهار ۱۳۷۳)، «مسئله مشروعیت سیاسی»، فصلنامه راهبرد، شماره سوم.
- حسینی، سید تقی، (۱۳۷۴)؛ نقش طبقه متوسط جدید در انتقال قدرت از قاجار به پهلوی، به راهنمایی دکتر علیرضا ازغندی، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.
- خلیل‌خو، محمدرضا، (۱۳۷۳)؛ نوسازی ایران در دوره رضا شاه، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی شهید بهشتی.
- دوگانه ماتیه، (۱۳۷۴)؛ «سنجش مفهوم مشروعیت و اعتماد» ترجمه پرویز پیران، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۹۷-۹۸، سال دهم.
- راش مایکل، (۱۳۷۷)؛ «جامعه و سیاست» ترجمه منوچهر صبوری، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- رفیع پور، فرامرز، (۱۳۷۶)؛ توسعه و تضاد؛ کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- رفیع پور، فرامرز، (۱۳۷۲)؛ «سنجش گرایش روستائیان نسبت به جهاد سازندگی»، چاپ اول، تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستائیان.
- رفیع پور، فرامرز، (۱۳۶۰)؛ کندوکاوها و پنداشته‌ها، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- شجاعی زند، علی رضا، (۱۳۷۶)؛ مشروعیت دینی دولت و اقتدار سیاسی دینی، چاپ اول، تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
- شومپیتر، جوزف، (۱۳۷۵)؛ «کاپیتالیسم، سوسیالیسم، دمکراسی»، ترجمه حسن منصور، چاپ دوم، تهران: نشر مرکز.
- صبوری، منوچهر، (۱۳۷۴)؛ «جامعه‌شناسی سازمانها»، چاپ اول، تهران، نشر شب‌تاب.
- طیبی، بسام، (خرداد و تیر ۱۳۷۷)؛ «اقتدار و مشروعیت»، فرزاد جامی میرزایی، ماهنامه کیان، شماره ۴۲.
- علوی تبار، علیرضا، (۱۳۷۵)؛ جریان‌های فکری موجود در دانشگاه‌ها، معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی.
- غلامرضا کاشی، محمد جواد، (۱۳۷۸)؛ گفتارهای سیاسی در ایران، تهران: معاونت پژوهشی وزات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فراتی، عبدالوهاب، (مرداد ۱۳۷۸)؛ «گونه‌های مشروعیت قدرت سیاسی در ایران»، اندیشه حکومت، شماره دوم.
- قاسمی، مهدی، (تابستان ۱۳۷۹)؛ «منشاء مشروعیت حکومت اسلامی»، مجله علوم سیاسی، سال دوم، شماره پنجم.

- قاضی‌زاده، کاظم، (بهار ۱۳۷۳)؛ «پژوهشی در خطوط کلی اندیشه‌های سیاسی امام خمینی (ره)» فصلنامه راهبرد، شماره سوم.
- قاضی‌زاده، کاظم، (بهار ۱۳۷۳)؛ «خطوط کلی اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)»، راهبرد شماره سوم.
- کدیور، محسن، (۱۳۷۸)؛ نظریه‌های دولت در فقه شیعه، چاپ چهارم، تهران: نشر نی.
- کواکبیان، مصطفی، (۱۳۷۸)؛ مبانی مشروعیت در نظام ولایت فقیه، تهران: عروج.
- گر، تد. رابرت، (۱۳۷۷)؛ «چرا انسانها شورش می‌کنند» ترجمه علی مرشیدزاد، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- لاریجانی، محمد جواد، (۱۳۷۵)؛ مباحثی در مشروعیت و کارآمدی، تهران: سروش.
- لاریجانی، محمد جواد، (۱۳۷۷)؛ تدین، حکومت و توسعه، تهران: اندیشه معاصر.
- لهستانی‌زاده، عبدالعلی، (۱۳۷۴)؛ نابرابری و قشربندی اجتماعی، شیراز: دانشگاه شیراز.
- مجموعه مقالات سیاسی - امنیتی، (۱۳۷۳)؛ جلد اول، ذیل واژه مشروعیت، تهران: موسسه پژوهشهای اجتماعی.
- محمدی، مجید، (۱۹ دی ۱۳۷۷)؛ «مشروعیت فرهمندانه و جامعه توده‌وار»، هفته‌نامه آبان، سال دوم، شماره ۵۹.
- منتسکیو، (۱۳۷۰)؛ روح القوانین، ترجمه علی اکبر مهتدی، چاپ نهم، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- موسوی، سیدرضا، (شهریور و مهر ۱۳۷۷)؛ «عقل و مشروعیت از نظر ماکس وبر و هابرماس»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۳۲، ۱۳۱.
- هالیدی، فرد، (۱۳۵۹)؛ دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داران در ایران، فضل‌الله نیک آئین، امیرکبیر.
- هانتینگتون، ساموئل، (۱۳۷۳)؛ موج سوم دموکراسی، ترجمه احمد شهسا، چاپ اول، تهران: انتشارات روزنه.
- هلد، دیوید، (۱۳۶۹)؛ «مدلهای دموکراسی» ترجمه عباس رنجبر، چاپ اول، تهران: انتشارات روشنگران.
- وبر، ماکس، (۱۳۷۴)؛ اقتصاد و جامعه، ترجمه منوچهری، ترابی‌نژاد و عمادزاده، چاپ اول، تهران: انتشارات مولی.
- Scott, John, (1973) " Power&Authority : A Comment on spencer & Martin " British Journal of sociology , Vol.24 .pp.101 -107.
- Albrow, Martin, (1972) " Weber on Legitimate norms & Authority : A Comment on . Martin Spencers Account " , British Journal of Sociology, vol.23:pp.a83 – 487
- Spencer E. Martin, (1970) "Weber on Irgitimati norms & Authority " British Journal of sociology, vol.24, pp.123-134.
- Willer, David E. "Max Webers Missing authority type "Sociological inquiry, 1992, vol.37, pp.234 – 239.
- Doondle, jean, (1995), Commparitive government, second edition , prentice Hall, London
- Matheson , (1987), craiguweber & the classification of forms of legitimacy " British Journal of sociology, vol.38, pp.199-215.
- Benthon, David, (1992), Legitimation of po